

به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۷م؛ بغدادی، ابیضاح؛ زرکلی، اعلام؛ عباس، احسان، مقدمه بر البیان المغرب (نک: ابن عذاری در همین مأخذ)؛ منبج، صلاح‌الدین، معجم المخطوطات المطبوعة، بیروت، ۱۹۸۰م؛ هوسی میراند، آمبروسو، مقدمه بر البیان المغرب (نک: ابن عذاری در همین مأخذ)؛ نیز:

EP; Fulton, Alexander S. and M. Lings, Second Supplementary Catalogue of Arabic Printed Books in the British Museum, London, 1959; Lévi-Provençal, É., introd. *Al-Bayān al-Mughrib* (ابن عذاری)؛ مجدالدین کیوانی

ابن عراق، نک: ابونصر منصور بن عراق.

ابن عراق، ابوعلی شمس‌الدین محمد بن علی بن عبدالرحمن (۸۷۸ - صفر ۹۳۳ ق/ ۱۴۷۳ - نوامبر ۱۵۲۶ م)، عارف و شاعر. وی در دمشق در خاندانی از امرای چرکس به دنیا آمد (طاش کوبری زاده، ۳۵۲ - ۳۵۴ غزی، ۵۹/۱؛ ابن عماد، ۱۹۶/۸). در آغاز عمر به تحصیل قرائت قرآن و تجوید و حساب و سایر مقدمات پرداخت و پس از وفات پدرش در ۸۹۵ ق همسرا اختیار کرد. وی در همین سال برای رسیدگی به اموال واقطاعی که از پدرش بازمانده بود، به بیروت سفر کرد و در آنجا به دیدار بعضی از اولیا و بزرگان صوفیه نایل شد. در بازگشت به دمشق چندی به کارهایی چون سواری، تیراندازی، شکار، نرد، شطرنج و سایر اشتغالاتی که خاص امیرزادگان بود، مشغول شد، ولی سرانجام به مصاحبت شیخ ابراهیم ناجی رسید و به ارشاد او به تصوف گرایید و از دست او خرقه گرفت و در همین احوال به آموختن نحو، معانی و بیان، تفسیر، فقه و حدیث نیز اشتغال داشت و اوقات را به مصاحبت اهل علم و تقوی می‌گذراند، تا اینکه در ۹۰۴ ق با علی بن میمون مغربی و شیخ عبدالقادر بن حبیب ملاقات کرد و از هدایت آن دو بهره‌ور شد (نک: طاش کوبری زاده، ۳۵۴ غزی، ۵۹/۱ - ۶۱؛ ابن عماد، ۱۹۶/۸ - ۱۹۷).

در ۹۰۵ ق از راه بیروت به مصر سفر کرد و به ملاقات و مصاحبت چندتن از بزرگان علم و عرفان آن ناحیه، چون جلال‌الدین سیوطی، دمیاطی و احمد قسطنطینی نایل آمد. سپس به دمیاط سفر کرد و در آنجا محضر برخی بزرگان را دریافت و از آنجا رهسپار بیروت شد و در عید فطر همان سال به بیروت رسید، پس از چندی از بیروت عازم دمشق شد (غزی، ۶۱/۱؛ ابن عماد، ۱۹۷/۸). پس از بازگشت به دمشق نخست به حج رفت و بار دیگر از دمشق عازم بیروت شد. اقامت وی در بیروت تا ۹۱۰ ق ادامه یافت و در این سال هرچه در آنجا داشت یکباره ترک کرد و به دمشق بازگشت (نک: غزی، ۶۱/۱ - ۶۲). سال بعد که علی بن میمون از روم به حماه رفت، نامه‌ای به ابن عراق نوشت و او بی‌درنگ به سوی حماه رهسپار شد و چند ماهی نزد استاد و پیر خود به سر برد. سپس به اشاره ابن میمون رهسپار بیروت شد و به تعلیم و ارشاد صوفیه آنجا مشغول گردید (غزی، ۶۲/۱؛ ابن عماد، ۱۹۷/۸ - ۱۹۸). در مدتی که مقیم بیروت بود، اوقات خود را به تألیف می‌گذراند و گفته‌اند که ۲۴ جلد کتاب نوشت، اما چون این خبر به ابن میمون

رسید، رنجیده خاطر شد و نامه‌ای به ابن عراق نوشت و از او خواست تا با کتابهای خود به دمشق برود. هنگامی که در اواخر رجب ۹۱۳ آن دو در دمشق یکدیگر را ملاقات کردند، ابن میمون شدیداً مرید و شاگرد خود را مورد عتاب قرار داد و او را به سبب پرداختن به اینگونه کارها و اشتغال به «قیل و قال» سرزنش کرد. ابن عراق نوشته‌های خود را به ابن میمون سپرد و او همه را، جز آنچه در قواعد و تأدیب بود، به آب شست (نک: غزی، همانجا؛ ابن عماد، ۱۹۸/۸). ۶ سال پس از وفات ابن میمون، وی در ۹۲۳ ق به بیروت بازگشت و در زبانی که تأسیس کرده بود، به تربیت مریدان و ارشاد شاگردان پرداخت، تا اینکه گروهی از اعیان دمشق نامه‌ای نوشته و او را بدانجا دعوت کردند. وی این بار یک چند در دمشق و سپس مدتی در غوطه و صفد اقامت کرد و همچنان به ارشاد مریدان و تدریس تفسیر، فقه و حدیث مشغول بود و اهل علم و عرفان از اطراف نزد او می‌آمدند. در ۹۲۴ ق بار دیگر عازم حج شد و درحالی که سرپرستی امور حجاج به او سپرده شده بود، خود پیاده این سفر را به انجام رساند (غزی، ۶۲/۱ - ۶۲). از آن زمان وی در مدینه اقامت گزید و به تربیت سالکان و تعلیم و ارشاد طالبان علوم مشغول شد، و همواره تا پایان عمر میان حرمین رفت و آمد داشت و مراسم حج را به جای می‌آورد.

سرانجام در ۵۲ سالگی در مکه درگذشت و در تشییع جنازه او جمعی کثیر از مردم مکه، از آن میان ابو نسیم برکات، شریف و سلطان مکه، شرکت جستند (همو، ۶۷/۱). از او فرزندان بی‌شماری ماند که دو تن از آنان - شیخ علی و شیخ عبدالنافع - اهل علم و ادب بودند (همو، ۶۴/۱؛ عیدروسی، ۱۷۵، ۱۷۷) و عیدروسی (صص ۱۷۵ - ۱۷۹) اشعاری از آن دو نقل کرده است.

ابن عراق در علوم ظاهر و باطن از سرآمدان روزگار خود به‌شمار می‌رفت و از زهد و برهیزکاری و ریاضتهای سخت او روایت‌هایی نقل شده است (نک: طاش کوبری زاده، ۳۵۴ غزی، ۵۹/۱ - ۶۴؛ ابن عماد، ۱۹۶/۸، ۱۹۸) و کراماتی نیز به او نسبت داده‌اند (نک: عیدروسی، ۱۷۴). عرفان او معتدل و مبتنی بر رعایت اصول و قواعد شریعت بود. از افکار و تصورات وحدت وجودی دوری می‌جست، اما در بیان صفات خداوند و وحدت ذات الهی از نکات و اشارات کلامی و فلسفی بهره می‌گرفت (نک: «عقیده» او به نقل عیدروسی، ۱۷۵، و «حزب الاشراف» منسوب به او به نقل غزی، ۶۶/۱). ابن عراق شعر نیز می‌سرود و قطعات کوتاهی از سروده‌های او با مضامین دینی و عرفانی در بعضی از کتابها نقل شده است (نک: غزی، ۶۵/۱ - ۶۷).

چنانکه قبلاً اشاره شد، استاد و پیر او علی بن میمون او را از نوشتن منع کرد و اغلب تألیفات او را که تا ۹۱۳ ق نوشته شده بود، از میان برد، ولی با وجود این امروز تعداد قابل توجهی کتاب و رساله به نام او در کتابخانه‌های جهان موجود است، از آن جمله: ۱. تأدیب الاقوال و تهذیب الاعمال و تریة النیات علی اکمل الاحوال (سید، ۱۱۷/۱)؛ ۲. رساله فی اهل الطريق (همو، ۳۷۱/۱)؛ ۳. رساله ابن

08 OCAK 2007

Abu Arrak Muhammed

— İlhan el-Haytemi, 1167

Remzi Semiseddin

Minavi: نصوص الشافعي والأصحاب

لصفي الدين أحمد بن عمر بن عبد الرحمن المعروف بالمزجّد السيفي المرادي الشافعي المتوفى سنة ٩٣٠هـ .

(النور السافر: ١٣٧، شذرات الذهب: ٨، ١٦٩، مصادر الفكر العربي الإسلامي: ٤٩٢، الروض الأغر: ١، ٦٥) أوله: الحمد لله الذي جمع بيدع حكمته أشتات العلوم بزواج كتاب الخ (ذيل كشف الظنون: ٩١) خ الأزهرية (٥٧١) ٤٠٨٩ وخمس نسخ أخرى بنفس المكتبة ودار الكتب المصرية: ١٧٦ .

. ٢٢٧٧ (٣٣١)

أحمد بن قاسم العبادي المتوفى سنة ٩٩٢هـ (سبق) .

— حاشية على العباب

خ الأزهرية (٢٨٠) ٢٠٧٠ وأخرى بنفس المكتبة (٢٨٤٦) أمبابي ٤٨٣٢٥ .

شمس الدين محمد بن أحمد بن أحمد بن حمزة الرملي الأنصاري المتوفى سنة ١٠٠٤هـ (سبق) .

— حاشية على العباب (فتح الملك الوهاب)

خ شسترتي ٤٨٣٤ .

عبد الرؤوف محمد بن تاج الدين المناوي المتوفى سنة ١٠٣١هـ (سبق) .

— إسعاف الطلاب بشرح العباب

أوله: الحمد لله على ما فتح من فهم المقفل الخخ أزهرية (٢٥٦٠) جوهرى ٤١٨٧٠ وأخرى بنفس المكتبة ٢٨٦٩ أمبابي ٤٨٣٤٨ وثالثة برقم ٢٨٠٦ أمبابي ٤٨٢٨٥ .

شمس الدين محمد بن علي بن عبد الرحمن بن عراق المتوفى سنة ٩٣٣هـ (الكواكب السائرة ١: ٥٩، والنور السافر: ١٩٢، وشذرات الذهب: ٨، ١٩٦) .

— شرح العباب

خ أوقاف السلیمانیة ٢٢٠١ ورقم ٤١٠ .

أحمد بن الطيب البكري الطنبداوي الصديقي الزبيدي المتوفى سنة ٩٤٨هـ (النور السافر: ٢٢٨، شذرات الذهب: ٨، ٢٧٢) .

— حاشية على العباب.

أبو الحسن محمد بن محمد بن عبد الرحمن البكري المتوفى سنة ٩٥٢هـ (الكواكب السائرة ٢: ١٩٤، شذرات الذهب: ٨، ٢٩٢، الأعلام ٧: ٥٧) .

— شرح العباب.

شهاب الدين أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيثمي المتوفى سنة ٩٧٤هـ (سبق) .

— الإيعاب شرح العباب

خ أوقاف السلیمانیة ١-١ والأزهرية